

■ چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۵ ■ شماره ۲۲۰۲۲ ■ ۲۶ شوال ۱۴۴۷ ■ ۱۵ آوریل ۲۰۲۴

اذان ظهر:	۱۱:۳۲
غروب آفتاب:	۱۸:۰۵
اذان مغرب:	۱۸:۴۷
نیمه شب:	۲۲:۴۷
اذان صبح فردا:	۰۳:۲۸
طلوع آفتاب فردا:	۰۵:۴۷

تهران

اذان ظهر:	۱۲:۰۴
غروب آفتاب:	۱۸:۳۷
اذان مغرب:	۱۸:۵۶
نیمه شب:	۲۳:۲۱
اذان صبح فردا:	۰۴:۰۲
طلوع آفتاب فردا:	۰۵:۳۱

امام علی علیه السلام می فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلُ بِهِ؛

بدانیکده کمال دین درطلب دانش و به کاربستن آن است.

[تلفظ: ا، ج، ص ۳۰]

دولت؛ ضلع چهارم پیروزی

به رغم تمامی مشکلات، مدیریت کشور در جنگ رمضان توسط قوه مجریه به خوبی انجام شد و می توان دولت را در کنار رهبری، مردم و نیروهای مسلح به عنوان چهارمین ضلع پیروزی تا این جای جنگ معرفی کرد



کابینه، بمباران زیر ساخت ها، حملات به نقاط مختلف پایتخت، حملات شدید به بنادر کشور در شمال و جنوب و ... دولت به خوبی توانست فضای اجتماعی را با همکاری مردم مدیریت کند. با تمام سختی ها اما در این مدت هیچ گونه کمبودی در تامین کالاهای اساسی ایجاد نشد و قفسه هیچ فروشگاه‌هی هم خالی نماند. از سویی به رغم حملات دشمن به پالایشگاه ها و مخازن سوخت، دولت به خوبی توانست با مدیریت مصرف از ایجاد هر گونه کمبود سوخت آن هم در زمان انجام سفرهای نروزی جلوگیری کند. نیروی انتظامی نیز نه تنها به خوبی توانست در مدیریت نظم و امنیت داخلی عمل کند، بلکه حتی دلاری یگان های ویژه نیروی انتظامی در ایستادگی مقابل عملیات ویژه دشمن در عمق خاک ایران نیز یکی از ماندگارترین قاب های مقاومت در جریان این جنگ را رقم زد. این موارد هم به ماندگاری مردم در خیابان ها کمک کرد و هم باعث شد تا نیروهای مسلح با خیالی آسوده از فضای داخلی آرام کشور با تمام توان بر ایستادگی در مقابل دشمن متمرکز شوند همان طور که فریدریش

کبیر پادشاه پروس گفته روحیه ارتش از ثبات و کارآمدی کشور تغذیه می شود؛ ماموریتی که دولت در این ۴۰ روز به خوبی از عهده انجام آن برآمد.

ایستادگی بدنه دولت: در شرایطی که همواره رسانه های معاند به خبرسازی درباره آمادگی مسئولان ایرانی برای فرار از کشور و پناهندگی به کشورهای دیگر می پرداختند اما در جریان ۲ جنگ اخیر دروغ بودن این ادعاها به اثبات رسید. هرچند که در جنگ رمضان وضعیت متفاوت بود و ترامپ حتی در اولین روزهای جنگ به دیپلمات های ایرانی پیشنهاد پناهندگی داد اما نه تنها هیچ موردی از فرار و خروج مسئولان از کشور ثبت نشد، بلکه حتی سفارتخانه های ایران در کشورهای مختلف در مدت جنگ نقش اثرگذاری در تنویر افکار عمومی جهان نسبت به حمله تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل به کشورمان نیز ایفا کردند. همان طور که اشاره شد دولت توانست به خوبی در این ۴۰ روز فضای عمومی کشور را مدیریت کند؛ وظیفه ای که تماماً توسط مدیران میانی در بدنه دولت اجرا شد.

چگونه ورود پرونده لبنان به مذاکرات ایران و آمریکا، معادله «خلع سلاح» را به «آتش بس» تغییر داد؟

گره آتش بس لبنان کجاست؟

یوسفی: در فضای ملتهب رسانه ای این

روزها، یکی از پرتکرارترین گزاره ها این است

که «لبنان در معادلات جدید تنها مانده است».

این گزاره در نگاه اول شاید به تحولات میدانی تکیه داشته باشد، اما در یک تحلیل دقیق تر،

فرو کاستن مفهوم حمایت به صرف مداخله مستقیم نظامی نادرست است. واقعیت آن است که در تحولات پیچیده منطقه ای، حمایت راهبردی نه لزوماً با کمک نظامی، بلکه با تغییر دستور کار جنگ معنا پیدای کند و دقیقاً در همین نقطه است که باید نقش ایران در گنجاندن پرونده لبنان در معادله آتش بس با آمریکا را فهم کرد.

از «خلع سلاح» تا «آتش بس»

تا پیش از شروع جنگ رمضان، کلیدواژه محوری در ادبیات امنیتی رژیم صهیونیستی درباره لبنان، خلع سلاح حزب ا... بود؛ هدفی که در امتداد یک طراحی بلندمدت برای تغییر موازنه قدرت در جنوب لبنان تعریف شده بود. اما آنچه امروز در سطح مذاکرات و ایزنی های بین المللی دیده می شود، نه تنها دیگر حرفی از خلع سلاح حزب ا... نیست، بلکه جابه جایی این دستور کار به سمت «آتش بس» است.

این تغییر، یک جابه جایی ساده لفظی نیست، بلکه انتقال میدان از یک پروژه یک جانبه امنیتی (خلع سلاح) به یک چارچوب دوجانبه و قابل چانه زنی (آتش بس) است. به بیان دیگر، وقتی مسئله لبنان در متن مذاکرات ایران و آمریکا قرار می گیرد، دیگر نمی توان آن را به عنوان یک پرونده جداگانه و صرفاً در چارچوب اراده اسرائیل پیش برد. این، در ذات خود، یک دستور د سیاسی برای حزب ا... و محور مقاومت محسوب می شود. به بیان دیگر وقتی پرونده لبنان وارد مذاکرات ایران و آمریکا می شود، دیگر اسرائیل نمی تواند به تنهایی برای آن تعیین تکلیف کند. این یعنی دست حزب ا... و جریان مقاومت در معادله بازتر شده و همین، خودش یک امتیاز سیاسی مهم محسوب می شود.



نشود. وقتی بحث «آتش بس» جایگزین «خلع سلاح» می شود، در واقع دستور کار جنگ یک گام جلوتر می رود و از یک مطالبه یک طرفه اسرائیل خارج می شود.

در عین حال، یک نکته مهم این جاست که آتش بس دائمی در شرایط فعلی، لزوماً به نفع حزب ا... نیست. در ماه های اخیر، اسرائیل در بخش هایی از جنوب لبنان پیشروی و سعی کرده موقعیت هایی را تثبیت کند. اگر در همین وضعیت، آتش بس نهایی شکل بگیرد، این خطر وجود دارد که همین وضعیت به عنوان واقعیت جدید پذیرفته شود و عملاً دست حزب ا... برای بازپس گیری این مناطق بسته تر شود.

بنابراین، آنچه ایران دنبال می کند صرفاً «هر نوع آتش بسی» نیست، بلکه وارد کردن لبنان به معادله ای است که اجازه ندهد نتیجه نهایی، تثبیت دستاوردهای میدانی اسرائیل و بازگشت دوباره به پروژه خلع سلاح باشد.

گره درونی آتش بس در لبنان

یک واقعیت مهم در تحلیل صحنه لبنان این است که همه چیز فقط به تصمیم اراده های کشورهای خارجی گره نخورده است. در ماه های اخیر، بیروت به طور محسوسی به سمت ریاض و ابوظبی متمایل شده تا از زیر سایه ایران و حزب ا... خارج شود و حمایت های مالی

و سیاسی جدیدی جذب کند. همین تغییر جهت، روی نحوه مواجهه دولت لبنان با تحولات اخیر هم اثر گذاشته است.

در حال حاضر، اولویت اصلی دولت لبنان لزوماً تقابل با اسرائیل نیست، بلکه مدیریت توازن قدرت در داخل کشور است؛ توازنی که به شدت تحت تأثیر رقابت های منطقه ای

به ویژه نقش آفرینی سعودی ها قرار دارد. در چنین فضایی، طبیعی است که دولت لبنان تمایلی نداشته باشد آتش بس به گونه ای روایت شود که به عنوان یک دستاورد برای ایران یا حزب ا... دیده شود؛ چرا که چنین برداشتی می تواند معادلات سیاسی داخلی را به نفع حزب ا... تغییر دهد و سرمایه گذاری سیاسی یک ساله ریاض در لبنان را تضعیف کند. به همین دلیل، حتی اگر ایران بر وارد شدن لبنان به معادله آتش بس پافشاری کند، تا زمانی که دولت مستقر لبنان همراهی نکند، عملاً امکان تحمیل این مسیر وجود ندارد. این جابجایی است که محدودیت های واقعی صحنه خودش را نشان می دهد:

تصمیم نهایی، در چارچوب دولت رسمی لبنان گرفته می شود و همین موضوع، دامنه اثرگذاری بیرونی از جمله ایران را به طور طبیعی محدود می کند.

تازه های مطبوعات

کیهان: با توجه به معادلات جدید، نه ناوهای آمریکا قادر به مانور مؤثر در منطقه هستند و نه می توانند در محاصره ایران نقش آفرینی کنند؛ که اگر می توانستند، باید در همان ۴۰ روزه جنگ، مرتکب غلطی می شدند. روند جنگ، افسانه ها درباره ناوهای لینکلن و فورد را باطل کرد و از ناوهای باکسر و تیرپیولی و بوش هم که ادعا می شد قرار است در عملیات زمینی در عمق ایران و یا اشغال جزایر شرکت کنند، هیچ بخاری بلند نشد. فقط ۲۰۰ فروند هواپیمای اف ۳۵، اف ۱۵، آواکس، C-130، سوخت رسان، A-10 و بالگرد و پهپاد ساقط شده آمریکا و اسرائیل، قابلیت ایجاد یک گورستان مستقل از پیشرفته ترین ادوات نظامی آمریکا را دارند.

فرهیختگان: پذیرش شکست برای بزرگ ترین ارتش دنیا، هزینه گرانی است که آن ها حاضر به پذیرش آن نخواهند شد، به همین دلیل بود که ترامپ اعلام کرد آمریکا تنگه هرمز را به طور کامل مسدود می کند و برای متوقف کردن دریافت عوارض توسط ایران اعلام کرد هر کشتی که اقدام به پرداخت عوارض به ایران کند، توقیف خواهد شد. خطای اساسی ترامپ در مواجهه با وضعیت تنگه هرمز این است که همچنان با مشابَهت سازی ایران با ونزوئلا با این نبرد برخورد می کند. واقعیت آن است که این اقدام باختی دوسویه برای ترامپ به همراه دارد، فارغ از آن که این محاصره و تهدیدات ترامپ قابلیت اجرا دریا خیر، عدم فروش نفت ایران مجدد قیمت نفت جهانی را صعودی خواهد کرد.

شرق: باید توجه داشت که این مذاکرات تنها چند روز پس از پایان یک جنگ ۴۰ روزه آغاز شد و طبیعی است که در چنین فضایی، رسیدن به توافق در همان گام نخست دشوار باشد. تجربه های تاریخی نشان می دهد که مذاکرات بزرگ، اغلب در فرایندی تدریجی و چند مرحله ای به نتیجه می رسند. گزارش ها حاکی از آن است که در همین دور، چارچوبی کلی از تفاهم شکل گرفته و اختلافات به چند محور اصلی محدود شده است؛ موضوعاتی که اگر چه پیچیده اند، اما لزوماً حل ناشدنی نیستند.

انعکاس

دفاع پرس نوشت: روسای جمهور ایران و فرانسه در گفت و گوی تلفنی درباره آخرین تحولات منطقه ای تبادل نظر کردند. پزشکیان، با اشاره به تهدید اخیر رئیس

جمهور آمریکا در باره تنگه هرمز تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره در پی تأمین امنیت پایدار برای عبور و مرور کشتی ها در این گذرگاه راهبردی بوده و هر گونه تهدید علیه امنیت این منطقه، پیامدهای گسترده برای تجارت جهانی به همراه خواهد داشت. در عین حال، ایران برای مواجِهه با هر سناریویی در چارچوب منافع ملی خود، از آمادگی کامل برخوردار است. رئیس جمهور فرانسه نیز با اشاره به اریزنی های خود با رئیس جمهور آمریکا، بر ضرورت گنجاندن موضوع لبنان در چارچوب توافق اولیه آتش بس تأکید کرد. **نورنیوز خبر داد:** سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین، ادعای واشنگتن درباره تسلیح ایران از سوی یکن رارد کرد و گفت هیچ گونه انتقال تسلیحاتی از چین به ایران صورت نگرفته است. رجمانی فضلی گفت: سیاست چین روشن است و آن مقابله با یک جانبه گرایی و حمایت از چند جانبه گرایی است. وی همچنین با تأکید بر اهمیت همکاری های منطقه ای گفت، ایران بر لزوم تقویت روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس تأکید دارد. سفیر ایران در چین در پایان تأکید کرد: آمریکا اگر حرفی برای گفتن دارد باید بر سر میز مذاکرات باشد نه این که با تشدید نظامی دنبال شود.

خبر آنلاین نوشت: معاون اول رئیس جمهور در توتیتی به زبان انگلیسی در واکنش به توثیت اخیر نتانیاهو نوشت: نتانیاهو: «ونس در مسیر بازگشت از اسلام آباد، همان طور که هر روز انجام می دهد، به من گزارش داد.» برای نخستین بار در تاریخ، یک مقام ارشد دولتی «گزارش های روزانه» به رئیس یکرژیم دیگر ارائه می دهد!



یادداشت

جعفر یوسفی
info@khorasannews.com

چرا آوردن تنگه هرمز به میز مذاکرات یک تصمیم هوشمندانه بود؟

تثبیت یک اهرم ژئوپلیتیک

یکی از پرسش های رایج در افکار عمومی این است که چرا موضوعی به ظاهر بدیهی مانند تنگه هرمز که در ذهن بسیاری از مردم در زمره حقوق حاکمیتی تثبیت شده ایران قرار دارد باید به میز مذاکره کشیده شود؟ پاسخ به این پرسش، در تمایز مهمی نهفته است که در ادبیات راهبردی و حقوق بین الملل میان کنترل عملی و حق تثبیت شده حقوقی وجود دارد.

■ واقعیت آن است که آنچه ایران در جنگ رمضان به دست آورد، بیش از آن که یک دستاورد صرفاً حقوقی باشد، یک برتری میدانی و عملیاتی بود؛ نوعی کنترل بالفعل بر تردد و امنیت تنگه. اما تجربه تاریخی نشان می دهد که هیچ دستاورد میدانی، بدون تبدیل شدن به یک چارچوب حقوقی مورد پذیرش بین المللی، پایدار نخواهد ماند. دقیقاً در همین نقطه است که ورود تنگه هرمز به مذاکرات اسلام آباد معنا پیدای کند.

■ نخست این که، این مذاکرات فرصتی بود برای تبدیل کنترل عملی به مشروعیت حقوقی. در شرایطی که ایران توانسته در میدان، مدیریت تردد را به دست گیرد، تثبیت این وضعیت در قالب یک سازوکار حقوقی اعم از قواعد عبور، نظارت یا حتی اعمال عوارض می تواند این دستاورد را از سطح یک واقعیت موقت به یک قاعده پایدار ارتقا دهد. به بیان دیگر، آنچه در میدان به دست آمده، باید در متن توافقات به رسمیت شناخته شود تا از سوی سایر بازیگران بین المللی نیز به عنوان یک نظم مشروع پذیرفته شود.

■ دوم، تداوم وضعیت موجود بدون پشتوانه حقوقی، همواره در معرض چالش و آسیب پذیری سیاسی و حقوقی و حتی نظامی است؛ به گونه ای که می تواند در آینده با فشارهای دیپلماتیک، اقدامات نظامی یا حتی صدور قطعنامه های بین المللی علیه ایران مواجه شود. تا امروز، بسیاری از بازیگران جهانی به ویژه مصرف کنندگان بزرگ انرژی در اروپا و آسیا با وجود نگرانی ها، از تقابل مستقیم با این وضعیت خودداری کرده اند. اما این مدار الزاماً دائمی نیست. در صورت اتمام جنگ و ایجاد یک وضعیت پایدار امکان بلند شدن سروصدا های کشورهای ذی نفع هست، همین کشورها می توانند به سرعت به سمت ایجاد اجماع علیه ایران حرکت کنند. از این منظر، ورود زودهنگام به مذاکره و تبدیل وضعیت موجود به یک توافق چند جانبه، اقدامی پیش دستانه برای جلوگیری از شکل گیری چنین سناریویی است.

■ سوم، تنگه هرمز در این دور از مذاکرات، تنها اهرم واقعی و ملموس ایران بوده؛ اهرمی که برخلاف بسیاری از ابزارهای دیپلماتیک، پشتوانه ای عینی در میدان داشت. تجربه توافقات پیشین مثل برجام نشان داده است که صرف اعلام حقوق یا اتکا به استدلال های حقوقی، بدون پیوند با یک اهرم قدرت، به نتیجه پایدار منجر نمی شود. ایران با آوردن این اهرم به میز مذاکره، نه از موضع ضعف، بلکه با هدف مشروط سازی هر گونه توافق به بدرسمیت شناختن این واقعیت میدانی عمل کرد.

■ البته ممکن است این پرسش مطرح شود که حتی با تثبیت حقوقی، اگر طرف مقابل به این چارچوب ها پایبند نماند و دست به اقدام نظامی بزند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ روشن است: در چنین سناریویی، ایران نه تنها ابزار و تجربه لازم را برای واکنش میدانی مشابه آنچه در جنگ اخیر رخ داد، در اختیار دارد، بلکه این بار اقدام متقابل از پشتوانه مشروعیت حقوقی و بین المللی نیز برخوردار خواهد بود. به بیان دیگر، چیزی از دست نخواهد رفت، بلکه موقعیت ایران از نظر افکار عمومی و حقوقی نیز تقویت می شود.

■ در نهایت باید گفت مدیریت صرفاً نظامی یک گذرگاه راهبردی همواره دپریسک و ناپایدار است، اما وقتی در قالب یک سازوکار مورد پذیرش بین المللی تثبیت شود، هر گونه چالش علیه آن هزینه های سنگین حقوقی و سیاسی به دنبال دارد و یک دستاورد موقت را به موقعیتی پایدار تبدیل می کند.